



مرکز آموزش های غیر حضوری  
حوزه های علمیه خاوران

سطح سه

عنوان تحقیق :

**جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء**

نام استاد :

آقای مهدی عطار کاشانی

محقق :

فریبا نوروزی

۹۵۱۳۱۱۰۴۲۲

بهار ۱۳۹۷



محمد بن عبد الله

## فهرست مطالب

### مقاله کوتاه

|                               |   |
|-------------------------------|---|
| پاراگراف مقدمه.....           | ۱ |
| پاراگراف پشتیبان شماره ۱..... | ۲ |
| پاراگراف پشتیبان شماره ۲..... | ۲ |
| پاراگراف پشتیبان شماره ۳..... | ۲ |
| پاراگراف نتیجه.....           | ۲ |

### فصل اول : کلیات

|  |   |
|--|---|
| عنوان مسئله طبق الگوی سه جزئی.....                                 | ۳ |
| فیش های سوال فرعی ۱.....   | ۳ |
| کتاب شماره ۱: ابن منظور ، لسان العرب.....                          | ۳ |
| کتاب شماره ۲ : فراهیدی ، العین.....                                | ۳ |
| کتاب شماره ۳ : طریحی ، مجمع البحرین.....                           | ۳ |
| کتاب شماره ۴ : موسوی همدانی ، ترجمه تفسیر المیزان.....             | ۳ |
| جمع‌بندی و دسته بندی اقوال و ادله پیرامون سوال فرعی شماره ۱ ؛..... | ۴ |
| انتخاب قول مختار در سوال فرعی شماره ۱ :.....                       | ۴ |

### فصل دوم

|  |   |
|--|---|
| سوال فرعی شماره ۲.....   | ۴ |
| فیش های سوال فرعی ۲.....   | ۴ |
| کتاب شماره ۱ : محمد رضا سالاری فرد، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی.....        | ۴ |
| کتاب شماره ۲ : بخاری، صحیح بخاری.....  | ۴ |
| کتاب شماره ۳ : کلینی، الفروع من الکافی.....  | ۴ |
| کتاب شماره ۴ : عبدالعزيز سالم، تاریخ العرب قبل الاسلام.....                        | ۴ |
| کتاب شماره ۵ : احمد امین سلیم، جوانب من تاریخ و حضاره العرب فی العصور القدیمة..... | ۵ |
| کتاب شماره ۶ : عمر بن محمد جاحظ، البیان و التبیین.....                             | ۵ |

- کتاب شماره ۷: عبد العزيز سالم، تاريخ العرب قبل الاسلام..... ۵
- کتاب شماره ۸: قرآن کریم..... ۵
- کتاب شماره ۹: ابوالفرج علی بن هیثم اصفهانی، اخبار النساء فی کتاب الاغانی..... ۵
- کتاب شماره ۱۰: قرطبی، الجامع لحکام القرآن..... ۵
- فیش شماره ۱: ..... ۵
- فیش شماره ۲: ..... ۶
- کتاب شماره ۱۱: حامد منتظری مقدم، «گونه های ازدواج در عصر جاهلی»..... ۶
- کتاب شماره ۱۲: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام..... ۶
- فیش شماره ۱: ..... ۶
- فیش شماره ۲: ..... ۶
- کتاب شماره ۱۳: آلوسی، روح المعانی..... ۶
- کتاب شماره ۱۴: محمد رشید رضا، تفسیر المنار..... ۷
- فیش شماره ۱: ..... ۷
- فیش شماره ۲: ..... ۷
- کتاب شماره ۱۵: آمنه فتن مسکه بر، واقع المرأة الحضاری فی الاسلام..... ۷
- کتاب شماره ۱۶: محمد بن حبیب بغدادی، المحبر..... ۷
- کتاب شماره ۱۷: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام..... ۷
- فیش شماره ۱: ..... ۷
- فیش شماره ۲: ..... ۸
- کتاب شماره ۱۸: ابن منظور، لسان العرب:..... ۸
- کتاب شماره ۱۹: گروه محققان، زن در فرهنگ اسلامی:..... ۸
- کتاب شماره ۲۰: ..... ۸
- کتاب شماره ۲۱: احمد امین، فجر الاسلام:..... ۸
- کتاب شماره ۲۲: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه:..... ۸
- کتاب شماره ۲۳: رسول جعفریان، تاریخ تحلیلی اسلام، سیره رسول خدا (ص)..... ۹
- کتاب شماره ۲۴: بلاذری، فتوح البلدان..... ۹
- کتاب شماره ۲۵: یعقوبی، تاریخ یعقوبی..... ۹
- جمع بندی و دسته بندی اقوال و ادله پیرامون سوال فرعی شماره ۲؛..... ۹
- انتخاب قول مختار در سوال فرعی شماره ۲: ..... ۱۰

## فصل سوم

- سوال فرعی شماره ۳: ..... ۱۰

- فیش های سوال فرعی ۳ : ..... ۱۰
- کتاب شماره ۱ : امام خمینی ، تحریر الوسیله ..... ۱۰
- فیش شماره ۱ : ..... ۱۰
- فیش شماره ۲ : ..... ۱۱
- کتاب شماره ۲ : فخر رازی ، تفسیر کبیر ..... ۱۱
- کتاب شماره ۳ : طباطبایی ، محمدحسین ، تفسیر المیزان ..... ۱۱
- فیش شماره ۱ : ..... ۱۱
- فیش شماره ۲ : ..... ۱۱
- کتاب شماره ۴ : مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ..... ۱۲
- کتاب شماره ۵ : سید قطب ، فی ظلال القرآن ..... ۱۲
- کتاب شماره ۶ : طبری ، تفسیر طبری ..... ۱۲
- کتاب شماره ۷ : شیخ صدوق ، من لایحضر الفقیه ..... ۱۳
- کتاب شماره ۸ : جوادی آملی ، حق و تکلیف در اسلام ..... ۱۳
- کتاب شماره ۹ : امام خمینی ، تحریر الوسیله ..... ۱۳
- کتاب شماره ۱۰ : اصفهانی ، کشف اللثام ..... ۱۳
- کتاب شماره ۱۱ : نوری ، مستدرک الوسائل ..... ۱۳
- کتاب شماره ۱۲ : قرآن کریم ..... ۱۳
- کتاب شماره ۱۳ : حکیمی ، الحیاء ..... ۱۴
- فیش شماره ۱ : ..... ۱۴
- فیش شماره ۲ : ..... ۱۴
- فیش شماره ۳ : ..... ۱۴
- فیش شماره ۴ : ..... ۱۴
- کتاب شماره ۱۴ : حر عاملی، وسائل الشیعه ..... ۱۴
- کتاب شماره ۱۵ : طباطبایی ، محمدحسین ، تفسیر المیزان ..... ۱۴
- جمع‌بندی و دسته بندی اقوال و ادله پیرامون سوال فرعی شماره ۳ : ..... ۱۴
- انتخاب قول مختار در سوال فرعی شماره ۳ : ..... ۱۴



۱- این مقاله مربوط به یکی از سوالات فرعی (جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء) میباشد که آن : **جایگاه واقعی زن در اسلام را تبیین کنید؟**

## پاراگراف مقدمه

زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شان بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری و ظلم واقع می شدند، اما با رشد روز افزون آگاهی های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می توان حقوق از دست رفته زنان را استیفا کرد. دقت در بعضی آیات قرآن اهمیت تربیتی بودن نزول آیات قرآن و توجه به فرهنگ مردم عصر نزول را نشان می دهد. با توجه به عنایت قرآن به این فرهنگ، شناخت فرهنگ عصر جاهلی در فهم مقصود شارع از نزول برخی آیات قرآن مؤثر است. سوره نساء، ششمین سوره ای است که در مدینه بر پیامبر (ص) نازل شده و 176 آیه دارد. در آیه 34 این سوره، قوامیت مرد در خانواده، زنان صالح، خوف از نشوز زن و مراحل سه گانه مقابله با آن شامل «وعظ»، «هجر» و «ضرب» مطرح شده است. با توجه به اینکه «ضرب» به معنای زدن از مسائل بحث برانگیز این آیه می باشد؛ مطالعه بستر نزول آیه به درک بهتر مقصود شارع کمک می کند. اما چون جایگاه زن به عنوان همسر از جایگاه عمومی زن در جامعه جدا نیست، وضعیت عمومی زنان در آستانه نزول قرآن در فرهنگ جاهلی بررسی می شود.

## پاراگراف پشتیبان شماره ۱

فرهنگ های منحط و آداب و رسوم غلط در جوامع بشری انواع ظلم و سختی را بر زنان تحمیل کرده و آنان را به استثمار کشیده است. به عنوان نمونه یونانیان زن را زاده شیطان می دانستند و او را در هیچ کاری مداخله نمی دادند و فقط برای ارضاء غریزه جنسی و خدمت گذاری، از او استفاده می کردند. (زن از دیدگاه اسلام، علی ربانی خلخالی، نشر حجت، ص ۲۱) یکی از عالی ترین برنامه های اسلام از بین بردن تمام بی عدالتی نسبت به زن بوده است که برتری طلبی های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد و تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش های معنوی و فضائل اخلاقی دانست. حتی نکته ای که در کلام فقها در رابطه با تنبیه زن به چشم می خورد این است که زدن زن باید به قصد اصلاح باشد نه آن که به قصد تشفی و انتقام. بنابراین، اگر کسی بترسد در صورت زدن نتواند حدود الهی را رعایت کند و زدن صورت تشفی و انتقام پیدا کند باید از آن صرف نظر نماید؛ چرا که در این صورت نه تنها حکم الهی را انجام نداده است، بلکه مرتکب فعل حرام شده است.

## پاراگراف پشتیبان شماره ۲

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. بی شک، زن یکی از مؤثرترین اعضای خانواده است که بیشترین سهم اداره داخلی این واحد اجتماعی به عهده اوست. می توان گفت که زنان در تربیت و تکامل احاد اجتماع، اساسی ترین نقش را ایفا می کنند. در دنیای امروزی غرب می خواست حقوق از دست رفته زن را به او برگرداند، ولی با آزادی های بی قید و شرط و غیر انسانی، او را از رسیدن به تکامل و انسانیت باز داشت. آن ها می خواستند زن را از بردگی نجات دهند، ولی او را به بردگی مدرن کشانیده اند. اما اسلام راه میانه و اعتدال را فرا روی انسان ها قرار می دهد که پیمودن آن موجب سعادت و موفقیت در دنیا و آخرت می شود. متأسفانه برخی از مسلمانان با تقلید کور کورانه و الگوپذیری از فرهنگ غرب در گرداب ابتذال و بی بند و باری گرفتار شده اند و هر

چقدر این تقلید غیر عقلانی بیشتر شود، شیوع و گسترش این ناهنجاری های اخلاقی در جوامع اسلامی نیز بیشتر خواهد شد. پس احکام و قوانین اسلام به خودی خود هیچ عیب و نقصی ندارد، بلکه تمام مشکلات به خاطر عدم اجرای این قوانین است.

### پاراگراف پشتیبان شماره ۳

یکی از عالی ترین برنامه های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری طلبی های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد. این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است. خداوند متعال در آیه ۶ حجرات می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم». در اسلام به زنان حق دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داده شده است، اما مشروط به حفظ عفاف و پاکدامنی و حریم انسانیت. اسلام از طرفی با حضور بی قید و شرط زنان در تمام امور و از بین رفتن حریم های اخلاقی مخالفت کرده و از طرف دیگر برای فعالیت های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است و راه اعتدال که سعادت آنان را در پی دارد در پیش روی آنان قرار داده است.

### پاراگراف نتیجه

ادیان الهی که از ذات حق سرچشمه می گیرند، قوانین رهایی بخش انسان ها را بیان داشته اند. دین اسلام نیز که خاتم ادیان و کامل ترین آن هاست برنامه ها و تعالیم ناب خود را در زمینه آزادی انسان ها و از جمله آزادی زنان به بشر عرضه داشته است. اسلام با قوانینی دقیق و نظام مند در مورد زنان با حفظ معیارها و ارزش های اخلاقی، آنان را از اسارت و بردگی نجات داده و به سوی جایگاه واقعیشان رهنمون ساخته است. در اسلام مرد و زن در یک صف قرار می گیرند و با الفاظی همچون «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مورد خطاب واقع می شوند و با آیاتی همچون «ومن عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة» (غافر/۴۰) و «کل نفس بما کسبت رهینه» (مدثر/۳۸) به آنان استقلال در عمل داده می شود. نظام حقوقی اسلام، نظامی منسجم و هماهنگ است که با ملاحظه مجموعه شرایط و کلیه مصالح فرد و جامعه و بر اساس تمام خواست ها و نیازهای فطری و غریزی انسان، تنظیم شده است. از این رو در مواجهه با قوانین اسلام باید از جزء بینی و یک سو نگری پرهیز شود و به آن ها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود تا جایگاه واقعی هر یک از زن و مرد شناخته شود.



بخش اول: کلیات

**عنوان مسئله (طبق الگوی سه جزئی):** جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

• **سوال اصلی:**

جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء را بیان کنید .

• **سوالات فرعی تحقیق:**

- ۱- معنا و مفهوم کلمه ی واضربوهن در آیه ۳۴ سوره ی نساء چیست ؟
- ۲- زن در دوران جاهلیت از چه جایگاهی برخوردار بوده است ؟
- ۳- مسئله ی ضرب زن را در تفاسیر با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء بیان کنید ؟
- ۴- جایگاه واقعی زن در اسلام را تبیین کنید ؟ ( پاسخ این سوال در مقاله کوتاه داده شد ) .

**فیش های سوال فرعی ۱**

**فصل اول : سوال فرعی شماره ۱**

معنا و مفهوم کلمه ی واضربوهن در آیه ۳۴ سوره ی نساء چیست ؟

**کتاب شماره ۱: ابن منظور ، لسان العرب**

ضرب: الضرب معروف، ما ضُربَ به، أَنْ أُضْرِبَ عَلَى يَدِهِ ، رِمَا سُمِّيَ السَّيْفُ نَفْسَهُ ضَرْبِيَّةً ، كُلُّ هَذَا مِنَ الضَّرْبِ وَالْجَلْدِ وَالصَّقِيعِ الَّذِي يَقَعُ بِالْأَرْضِ. ضَرْبٌ فِي الْأَرْضِ إِذَا سَارَ فِيهَا مَسَافِرًا فَهُوَ ضَارِبٌ ، ضَرْبَاؤُهُ هُمُ الْأَمْثَالُ وَالنُّظَرَاءُ، ضَرْبٌ فِي لُغَتِهِ بِمَعْنَى زَدْنٍ ( با دست، عصا، شمشیر، شلاق و...) ، رفتن و سیر کردن ، وصف کردن، بیان کردن (ضرب المثل )، زدن چیزی به چیز دیگر است . ( ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۱ ، ص ۵۴۳-۵۵۱)

**کتاب شماره ۲ : فراهیدی ، العین**

ضرب: الضرب يقع على جميع الأعمال، ضرب في التجارة، و في الأرض، و في سبيل الله، يصف ذهابهم و أخذهم فيه. و ضرب يده إلى كذا، و ضرب فلان على يد فلان: حبس عليه أمراً أخذ فيه و أرادته و ضرب الدهر من ضرباته أي كان كذا و كذا :

ضرب در همه جا واقع می شود ، ضرب در تجارت ، ضرب در زمین ، ضرب فی سبیل الله ، توصیف رفتن و گرفتن : مثل دستش را در دستانش گرفت ، او یک مرد را به دست یک فرد ضربه زد: او برای چیزی که او را گرفت و خواست او را زندانی کرد، و ضرب و شتم دوران اعتصاباتش که چنین و چنان بود. (فراهیدی ، العین ، ج ۷ ، ص ۳۰)

**کتاب شماره ۳ : طریحی ، مجمع البحرين**

و الضرب: الصنف من الشيء. و ضرب أي شيء: أردت أن أضرب على يده، و" المضاربة"، مضرب السيف" و ضرب و شتم: كلاس شيء. و ضربه به هر چیزی: مانند هر چیزی. ضربه زدن به یکی از آنها در دست دیگر، و" گمانه زنی"، "غلاف شمشیری" (طریحی ، مجمع البحرين ، ج ۲ ، ص ۱۰۵)

**کتاب شماره ۴ : موسوی همدانی ، ترجمه تفسیر المیزان**

و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید، اگر به اطاعت در نیامدند، با آنها قهر کنید، و در بستر خود راه ندهید، و اگر این نیز مؤثر نشد بزندان ایشان اگر به اطاعت در آمدند دیگر

برای ادامه زدنشان بهانه‌جویی نکنید، و به خاطر علوی که خدا به شما داده مغرور نشوید، که دارنده علو و بزرگی خدا است. (موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۳۲)

### **جمع‌بندی و دسته‌بندی اقوال و ادله پیرامون سوال فرعی شماره ۱:**

در اصطلاح با عنایت به آیه ۳۴ سوره نساء به معنای زدن - به هر وسیله‌ای - است.

### **انتخاب قول مختار در سوال فرعی شماره ۱:**

با جمع بندی اقوال سه فرهنگ لغت که برای کلمه (ضرب) معانی مختلفی را در نظر گرفته اند که همگی متناسب با هم میباشند؛ برای پاسخ سوال، ما قول اول را انتخاب میکنیم که ابن منظور به طور کامل این کلمه را معنا کرده است.

### **فصل دوم: سوال فرعی شماره ۲**

#### **فیش های سوال فرعی ۲**

زن در دوران جاهلیت از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

#### **کتاب شماره ۱: محمد رضا سالاری فرد، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی**

وضعیت زن و خانواده در عصر جاهلی خانواده اساسی ترین و کهن ترین رکن جوامع بشری و حد فاصل بین فرد و جامعه است که گذشته از نقش استمرار نسل ها، آموزش و پرورش، تربیت، تکامل و سعادت افراد جامعه را به عهده داشته و سرنوشت آنان را رقم می زند. صاحب نظران، تعریف های گوناگونی از خانواده بیان کرده اند که هر تعریف به یکی از ابعاد خانواده اشاره دارد. در یک تعریف می توان خانواده را از عمومی ترین سازمان های اجتماعی دانست که بر اساس ازدواج یک مرد و دست کم یک زن شکل می گیرد و در آن مناسبات خونی یا اسناد یافته (پذیرش فرزندان) به چشم می خورد و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی، تربیتی و جز این ها را بر عهده دارد. (محمد رضا سالاری فرد، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ص ۱۲)

#### **کتاب شماره ۲: بخاری، صحیح بخاری**

الف) جایگاه و شأن زن در جاهلیت: مرد در جاهلیت، صاحب اختیار خانواده و به تعبیری گویاتر، مالک خانواده بود و بر زن و فرزندان حق حیات داشت. در جاهلیت، زن در ردیف سایر انسان ها قلمداد نمی شد، بلکه انسان درجه دو محسوب می شد. گفته خلیفه دوم در مورد وضعیت زنان در جاهلیت گواه خوبی است. او اعتراف می کند که زنان در جاهلیت هیچ به حساب نمی آمدند: «کنا فی الجاهلیه لانعد النساء شیءاً». (بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳۷۲)

#### **کتاب شماره ۳: کلینی، الفروع من الکافی**

بر اساس روایتی، اعراب زنان را همچون کالایی می شمردند که (اگر از خود پسری نداشت) پس از مرگ شوهر، در شمار دیگر اموال و ثروت شوهر، به پسر شوهر از زن های دیگر منتقل می شد. (کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۶۹)

#### **کتاب شماره ۴: عبدالعزيز سالم، تاریخ العرب قبل الاسلام**

در فرهنگ جاهلی پسران چون در آینده به جنگ جویان و مدافعان قبیله تبدیل می شدند بر دختران که وقت جنگ جز سنگینی، مزاحمت و بی آبرویی هنگام اسارت، چیز دیگری نداشتند، ترجیح داشتند.)  
عبدالعزیز سالم، تاریخ العرب قبل الاسلام، ص ۱۵۵

#### **کتاب شماره ۵: احمد امین سلیم، جوانب من تاریخ و حضاره العرب فی العصور القديمه**

دختران مورد کراهت و در مرتبه پایین تری از پسران قرار داشتند. جالب اینکه، خود زنان هم این اندیشه را پذیرفته بودند. وقتی از زنی در مورد بهترین زنان سؤال می شود می گوید: بهترین زن کسی است که پسری در شکم، پسری در بغل و پسری که پشت سرش راه می رود، داشته باشد. (احمد امین سلیم، جوانب من تاریخ و حضاره العرب فی العصور القديمه، ص ۳۹۵-۳۹۷)

#### **کتاب شماره ۶: عمر بن محمد جاحظ، البيان و التبیین**

نمونه های فراوانی از این کراهت در منابع جاهلیت وجود دارد، از جمله وقتی شخصی به نام ابی حمزه، دختردار می شود خانه را ترک کرده و نزد همسایگان می رود. همسرش چنین می سرايد: ما لا بی حمزه لا یأتینا یظل فی البیت الذی یلینا غضبان الا نلد البنینا تا لله ما ذلک فی ایدینا با حمزه را چه شده که به خانه همسایه رفته و به سراغ ما نمی آید. او از این عصبانی است که ما پسر به دنیا نیاورده ایم. به خدا سوگند که این امر در دست ما نیست. (عمر بن محمد جاحظ، البيان و التبیین، ج ۱، ص ۲۵۳ و ج ۳، ص ۱۶۳)

#### **کتاب شماره ۷: عبد العزیز سالم، تاریخ العرب قبل السلام**

ب) ظلم های اجتماعی به زنان: نفرت داشتن از دختران گاهی به زنده به گور کردن آنها منجر می شد. البته در میزان شیوع این زشتی اختلاف است؛ برخی آن را نادر و برخی در بیشتر قبایل شایع می دانند.  
(عبد العزیز سالم، تاریخ العرب قبل السلام، ص ۳۹۹)

#### **کتاب شماره ۸: قرآن کریم**

تصریح قرآن کریم به این عمل زشت و تکرار آن، نشانی از سنگینی این مسئله است: و هنگامی که به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از ناراحتی) سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد. به خاطر بشارت بدی که به او داده شده از قوم و قبیله خود متواری می گردد (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد یا در خاک پنهانش کند؟ آگاه باشید که بد حکم می کنند. (نحل: ۵۸-۵۹) و در آن هنگام که از دختران زند به گور شده سؤال شود به کدامین گناه کشته شدند؟ (تکویر: ۸-۹)

#### **کتاب شماره ۹: ابوالفرج علی بن هیشم اصفهانی، اخبار النساء فی کتاب الاغانی**

قیس بن عاصم در برابر پیامبر اکرم (ص) اعتراف می کند که تمامی دختران خود را زنده به گور کرده، حتی دختری را که با ترفند مادر تا چند سالگی زنده بوده، به رغم التماس های دختر، زیر خاک دفن کرده است. پیامبر با چشمان اشک بار می فرماید به درستی که این قساوتی آشکار است. (ابوالفرج علی بن هیشم اصفهانی، اخبار النساء فی کتاب الاغانی، ص ۳۰)

#### **کتاب شماره ۱۰: قرطبی، الجامع لحکام القرآن**

#### **فیش شماره ۱:**

علل چنین عمل ضد انسانی، غیرت و تعصب شدید و ترس از بی آبرویی هنگام اسارت زن و دختر، ترس از فقر، عیوب ظاهری و جسمی دختر ذکر شده است: « انه کان من العرب من یقتل ولده خشیه املاق، کما

ذکره الله عز و جل و کان منهم من یقتله سفهاً بغير حجه منهم فی قتله و هم ربیعه و مضر و کانوا یقتلون نباتهم لاجل الحمیه و منهم من یقول الملائکه نبات الله فالحقوا البنات بالبنات» (قرطبی، الجامع لحکام القرآن، ج ۷، ص ۹۶)

### فیش شماره ۲ :

در جاهلیت، زن حایض از خانواده طرد می شد؛ نه با او هم غذا می شدند و نه حاضر بودند با او در خانه بمانند. این عمل متأثر از فرهنگ یهود بوده است. (قرطبی، الجامع لحکام القرآن، ج ۳، ص ۱۰۲)

البته عامل اقتصادی و فرار از فقر، مهم ترین عامل بوده که قرآن نیز به آن اشاره می کند: «و فرزندانتان را از ترس فقر نکشید ما آنها و شما را روزی می دهیم مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است». (اسراء: ۳۱)

### کتاب شماره ۱۱ : حامد منتظری مقدم، «گونه های ازدواج در عصر جاهلی»

ج) ازدواج و طلاق در جاهلیت : مطالعه ازدواج های عصر جاهلی که اولین گام تشکیل خانواده است، ملاک خوبی در بررسی وضع خانواده در آن دوران است. باید دانست که مردم عرب در دوران پیش از اسلام در کنار تمام «جاهلیت ها به آیین و عرفی نیز پای بند بودند، چنان که ایشان در همان دوران، ازدواج با شماری از زنان را حرام می دانستند که اسلام نیز حرمت آن را امضا و تقریر نمود. شکل اصلی و رایج ازدواج در میان اقوام عرب، همانند این روزگار ازدواجی به نام بعوله «پیوند زناشویی» بوده که در شکل عادی آن بر سه عنصر خواستگاری، مهریه و عقد تکیه داشت. (حامد منتظری مقدم، «گونه های ازدواج در عصر جاهلی»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۸، ص ۱۲۷)

### کتاب شماره ۱۲ : جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام

### فیش شماره ۱ :

بدیهی است که رواج این گونه زناشویی بیان گر آن است که در آن دوران، نه تنها در امر ازدواج هرج و مرج نبوده، بلکه رسم و مرامی استوار در میان بوده است. غیر از ازدواج بعوله گونه های دیگری از ازدواج نیز گزارش شده است که جواد علی در کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام به بررسی آن پرداخته است. نکاح ضیزن ( همان نکاح مقت در اصطلاح مسلمانان)، نکاح متعه (ازدواج مدت بار) نکاح بدل، نکاح شغار، نکاح استبضاع و ... ازدواج هایی است که در جاهلیت مرسوم بود. (جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۱۲۸)

### فیش شماره ۲ :

تعدد زوجات در جاهلیت هیچ محدوده ای نمی شناخت و این در حالی بود که برقراری عدالت بین ایشان هیچ لزومی نداشت و هر کدام که نزد مرد، محبوب تر بود، وضع بهتری داشت. (جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۴۱)

### کتاب شماره ۱۳ : آلوسی، روح المعانی

البته گروهی از نویسندگان، برخی از این ازدواج ها را ازدواج اصطلاحی ندانسته و آن را بیشتر، مفساد اخلاقی و جنسی محسوب کرده و مدعی شده اند که نزد خود عرب جاهلی نیز غیر مرسوم بود. گفته اند شیوه زندگی عرب جاهلی که همیشه همراه با جابه جایی و عدم ثبات بوده است، به شیوع چنین وصلت

های زودگذر منجر شده است. برخی نیز با استفاده از آیه ۲۳ سوره نساء «حرام شده است بر شما مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و ...» گفته اند به ظن قوی چنین ازدواج هایی در جاهلیت وجود داشته که اسلام دست به تحریم آن زده است. (آلوسی، روح المعانی، ج ۲، ص ۳۵۸)

#### کتاب شماره ۱۴: محمد رشید رضا، تفسیر المنار

##### فیش شماره ۱:

طلاق در دست مرد بود و به آسانی انجام می گرفت. در بیشتر موارد از روی غضب و جهالت و به قصد انتقام جویی یا تنبیه زن یا قبیله او تحقق می یافت. (محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۲، ص ۵۴۷)

##### فیش شماره ۲:

زن پس از طلاق، حق ازدواج با مرد دیگری را نداشت، چون تعصب افراطی مرد اجازه نمی داد همسر سابق خود را با مرد دیگری ببیند. از این رو در مواردی هنگام طلاق به طور رسمی چنین حقی برای مرد لحاظ می شد. البته در مواردی با گرفتن مالی به ازدواج همسر سابق خود با مرد دیگر رضایت می داد. عدم محدودیت طلاق نیز ابزاری در دست مرد به منظور آزردن زن بود؛ یعنی قبل از اتمام عده رجوع می کرد و دوباره طلاق می داد و زن را در بالاترین وضع قرار می داد. البته گاهی برخی از زنان که شرافت و منزلت بالایی داشتند، از همان ابتدا شرط می کردند که طلاق به دست خودشان باشد و شوهر نیز قبول می کرد. (محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۲، ص ۳۸۱)

#### کتاب شماره ۱۵: آمنه فتنه مسکه بر، واقع المرأه الحضاری فی الاسلام

وضعیت اجتماعی زن در عصر جاهلی: آنچه از مطالعه منابع تاریخ جاهلی به دست می آید عدم منع زن از حضور او در اجتماع است. آنان کم و بیش در عرصه های اجتماعی حضور داشتند. البته میزان مشارکت ایشان در این عرصه ها، به شأن و منزلت آنان که در موقعیت خانوادگی یا ثروت یا امتیاز خاص ریشه داشت، وابسته بود؛ هر چه از شأن و رتبه بالاتر و نفوذ بیشتری برخوردار بودند، مشارکت بیشتری داشتند. مشارکت اجتماعی زن در جاهلیت به شکل رویه ای عام و فراگیر نبود و شاید همه زنان از چنین حقی برخوردار نبودند. (آمنه فتنه مسکه بر، واقع المرأه الحضاری فی الاسلام، ص ۵۲۶)

#### کتاب شماره ۱۶: محمد بن حبیب بغدادی، المحبر

وضعیت اقتصادی زن در عصر جاهلی: منابع تاریخ در کنار محرومیت های فراوانی که زن در جاهلیت دچار آن بود، دو محرومیت مالی را گزارش کرده اند؛ محرومیت از ارث و مهریه که از بارزترین محرومیت های اقتصادی زنان در آن دوران است. گرچه بحث کردن از ارث در ردیف مباحث حقوقی قرار دارد، اما از آن جا که ارتباط مستقیم با وضعیت مالی و اقتصادی دارد، در بحث اقتصادی زن به آن می پردازیم. قاعده کلی در میراث نزد مردم جاهلی این بود که فقط مردان که جنگ جویان قبیله بودند، ارث می بردند و زنان و کودکان از ارث محروم بودند. (محمد بن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۲۲۰)

#### کتاب شماره ۱۷: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام

##### فیش شماره ۱:

مردم جاهلی به علت شرکت نداشتن زنان در جنگ و عدم جلب منافع اقتصادی به سوی قبیله، آنان را از این حق محروم می کردند. قبل از نزول آیات میراث، مردی طبق سنت جاهلی همسر و خواهر برادر میت

خود را از ارث محروم کرده، خود اموال برادر را تصاحب کرد. جالب این که در کنار این بی عدالتی آشکار، بیگانگانی چون هم پیمان و فرزند خوانده میت، از او ارث می بردند. (جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۵۶۷)

### فیش شماره ۲:

جلوه دیگر محرومیت مالی زن، عدم مالکیت نسبت به مهریه بود. پدر یا ولی امر او مهریه را تصاحب کرده و چیزی به زن نمی رسید. اگر هم مهریه را به زن می دادند در مقابل مخارجی که برای خرید جهیزیه انجام می گرفت از او پس می گرفتند. (جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۵۶۳)

### کتاب شماره ۱۸: ابن منظور، لسان العرب

از ابتدای تولد دختر، به پدرش تبریک می گفتند که «هنیئاً لک النافجه؛ عامل زیاد کننده ثروت بر تو مبارک باد». پدر در عوض مخارج بزرگ کردن دختر، مهر او را بخشی از ثروت خود قرار می داد. این پول به مرور وسیله ای برای تفاخر شد و پول بیشتر نشانه بزرگی و مطلوبیت بیشتر زن بود. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۳۱)

### کتاب شماره ۱۹: گروه محققان، زن در فرهنگ اسلامی

آن چه مسلم است این که نمی توان اصل مالکیت زن را در جاهلیت نفی کرد. برخی در توضیح آیه ۱۹ سوره نساء «حلال نیست برای شما که از زنان از روی اکراه ارث ببرید». گفته اند در جاهلیت، مردانی به طمع تصاحب اموال زن با او ازدواج می کردند و بدون رعایت حقوق و ارتباط زناشویی، او را نگاه می داشتند تا بمیرد و اموالش را مالک شوند. (گروه محققان، زن در فرهنگ اسلامی، ص ۲۵۵ البته بیشتر مفسران شأن نزول آیه را به ارث رفتن زن دانسته اند.) این خود نشانه اصل مالکیت زن است.

### کتاب شماره ۲۰:

وضعیت سیاسی زن در عصر جاهلی: همان گونه که گفتیم زن جایگاه والایی نداشت و از بسیاری از حقوق انسانی خود محروم بود. زن جنس درجه دو و در خدمت منافع قبیله و مردان آن قبیله بود. مشارکت سیاسی آنان در این عصر با توجه به همین اصل کلی قابل تبیین است. زن در جنگ های مردم جاهلی که از ارکان زندگی آنان به حساب می آمد، عاملی انگیزه ساز و مهیج برای نبرد بود. جنگ جویان برای فرار از ننگ اسارت زنان و دختران خود نبرد می کردند و دشمن نیز به طمع اسیر کردن آنان شمشیر می زد. اسارت زنان، عامل هجو و عدم آن عاملی برای تفاخر آنان بود. یکی از افتخارات قریش این بود که هیچ زن قریشی به اسارت نرفته بود. (سعد زغلول عبدالحمید، فی التاریخ العرب قبل الاسلام، ص ۹۳)

### کتاب شماره ۲۱: احمد امین، فجر الاسلام

وضعیت فرهنگی زن در عصر جاهلی: برای شناخت جایگاه زن در دوران جاهلی، آشنایی با جایگاه علم و فرهنگ در این عصر ضروری است. علم و فرهنگ در جامعه جاهلی اهمیتی نداشت. فقدان خواندن و نوشتن در آن جامعه، خود دلیل روشنی بر بی بهره بودن آنان از فرهنگ و دانش است. (احمد امین، فجر الاسلام، ص ۲۷۵-۲۷۹)

### کتاب شماره ۲۲: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه

در سخنی از امام علی (ع) آمده است که هنگام بعثت پیامبر اکرم (ص) کسی از عرب کتاب نمی خواند. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹)

### کتاب شماره ۲۳: رسول جعفریان، تاریخ تحلیلی اسلام، سیره رسول خدا (ص)

برخی با استناد به وجود واژه هایی چون، کتاب، قلم، مداد، صحف، لوح، قرطاس و ... در متون تاریخی و آیات قرآنی، وجود گسترده خواندن و نوشتن و آشنایی عرب با این مفاهیم را ثابت کرده اند، ولی محققان این ادعا را با نصوص تاریخی و قرآنی معارض دانسته، ادله ای بر رد آن آورده اند. (رسول جعفریان، تاریخ تحلیلی اسلام، سیره رسول خدا (ص)، ص ۲۵۲)

### کتاب شماره ۲۴: بلاذری، فتوح البلدان

البته با قبول دوری جامعه جاهلی از علم و فرهنگ می توان جلوه های کم رنگی از این مقوله را در زندگی عرب قبل از اسلام یافت. زنی به نام شفاء را جزء آشنایان به کتابت در دوران جاهلی دانسته اند. (بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۱۰-۲۱۱)

### کتاب شماره ۲۵: یعقوبی، تاریخ یعقوبی

شعر و خطابه یکی از جلوه های اصلی فرهنگ دوران جاهلی است. شعر سرایی نزد عرب، رونق خاصی داشت. آنان ابعاد مختلف زندگی خود را به شعر در می آوردند. تفاخر به قبیله و گذشتگان، تمسخر و هجو رقیب، یاد جنگ های قبیله و خاطرات آن و معاشقه با محبوب، از رایج ترین مضامین اشعار جاهلی است. قبایل مختلف با عرضه شعرای خود در مجامع عمومی، مثل حج و بازارها از جمله بازار عکاظ به بهره مندی خود از چنین شعری افتخار می کردند. شاعران نیز شعر را وسیله کسب و درآمد خود قرار داده بودند. زنان جاهلی در این عرصه، فعال بودند به گونه ای که نام برخی از آنان جزء مشاهیر شعر جاهلی ذکر شده است. (ج ۱، ص ۴۵۸)

### جمع بندی و دسته بندی اقوال و ادله پیرامون سوال فرعی شماره ۲؛

درباره وضعیت زن در عصر جاهلی دو رویکرد متفاوت وجود دارد. برخی معتقدند زنان عصر جاهلی، جایگاه ممتازی داشتند و صاحب آزادی و شرافت و استقلال رأی و اراده بودند. حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و اقتصادی، بازگشت نسب برخی قبایل به زنان، شهرت بسیاری از بزرگان به نام مادرانشان، مشاوره با زنان در امور نظامی و اعطای امان به دشمن و پذیرش این امان ها از سوی قبایل، از جمله شواهد تاریخی بر جایگاه ممتاز زنان در جاهلیت است. رویکرد دوم، معتقد است که زنان در عصر جاهلیت وضعیت اسف باری داشتند. نگاه تحقیرآمیز و غیر انسانی به زنان و انسان درجه دوم شمردن آنها، کراهت از دختران و زنده به گور کردن آنها، انواع ازدواج های ظالمانه، عدم آزادی انتخاب در ازدواج، فراگیر بودن فساد اخلاقی و مفاسد جنسی در زنان و محرومیت های فراوان اجتماعی و اقتصادی، از جمله مظاهر این وضعیت اسف بار به شمار می آید. بسیاری از آیات قرآن کریم و روایاتی که از پیشوایان دین در دست است و احکام فراوان فقهی که اسلام برای بهبود وضعیت زنان در نظر گرفته، رویکرد دوم را تأیید می کند. البته حضور اجتماعی زنان تابع هیچ ضابطه و قانونی نبود. محرومیت از حق ارث و مهریه و به ارث رفتن زن پس از مرگ شوهر نیز از جمله ظلم های اقتصادی فراگیر در عصر جاهلی بود. مهم ترین جلوه حضور سیاسی زنان در جاهلیت، حضور آنها در جنگ ها بود. با توجه به حساسیت شدید عرب نسبت به اسارت رفتن زنان در جنگ ها، از زنان به عنوان ابزار جنگ روانی در تهييج و تحريك سپاهيان بهره می گرفتند. جامعه جاهلی فاقد فرهنگ و تمدن و علم و دانش بود تا آنجا که شمار افراد با سواد بسیار



اندک بوده و تنها میراث فرهنگی جاهلیت را شعر تشکیل می داد که آن هم غالباً بر محور عشق، جنگ و تفاخرات قبیله ای دور می زد و از حکمت و معنویت تهی بود. که در میان شاعران عصر جاهلی نام چند زن نیز به چشم می خورد.

### انتخاب قول مختار در سوال فرعی شماره ۲:

می توان گفت که وضعیت زن در عرصه های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در عصر جاهلی نابسامان، ظالمانه و تاریک بود، و یکی از تحولات اساسی اسلام را باید در اصلاح جایگاه و موقعیت انسانی و اجتماعی زنان دانست.

### فصل سوم، سوال فرعی شماره ۳:

#### فیش های سوال فرعی ۳:

۲- مسئله ی ضرب زن را در تفاسیر با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء بیان کنید؟  
یکی از نیازهای امروز جامعه اسلامی پاسخ به شبهاتی است که فکر و ذهن بسیاری از افراد به ویژه جوانان را به خود مشغول کرده است. از جمله شبهاتی که در نظام خانواده وجود دارد، بحث تنبیه بدنی زن است که در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ... وَالْآتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا»  
مردان بر زنان قیومت و سرپرستی دارند ... و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید، اگر به اطاعت در نیامدند، با آنها قهر کنید، و در بستر خود راه ندهید، و اگر این نیز مؤثر نشد بنیدشان اگر به اطاعت در آمدند دیگر برای ادامه زدنشان بهانه جویی نکنید، و به خاطر علوی که خدا به شما داده مغرور نشوید، که دارنده علو و بزرگی خدا است « نساء / ۳۴»  
خداوند در این آیه علاوه بر بیان قوامیت مرد نسبت به زن، به نشوز زن و وظیفه مرد در مقابل او نیز اشاره می کند. این آیه یکی از بحث انگیزترین آیات نزد مفسران بوده و نظرات متفاوت و گاه متناقضی از سوی آنها بیان شده که بعضاً تأثیر مقتضیات تاریخی را نیز در تفسیر این آیه نشان میدهد. از این رو، سؤال اصلی در این مقاله این است: آیا تنبیه بدنی زن با کرامت انسانی او سازگاری دارد؟

### کتاب شماره ۱: امام خمینی، تحریرالوسیله

#### فیش شماره ۱:

از نظر امام خمینی چگونگی تحقق نشوز عبارت است از: نشوز در زن به این صورت است که زن از اطاعت شوهر - آن مقدار که واجب است - خارج شود و نیز امور نفرت آوری که با کامیابی جنسی از زن منافات دارد را از خود دور نکند. حتی اگر به تمیزی و نظافت خود اهمیت ندهد و با خواست شوهر از آرایش و زینت خویش خودداری کند نیز نشوز تحقق می یابد و همچنین اگر بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود و مانند این امور. ولی در اموری که اطاعت زن از مرد واجب نیست اگر فرمان نبرد نشوز تحقق نمی یابد. بنابراین اگر زن از انجام کارهای منزل و نیازهایی که مربوط به استمتاع مرد نیست سرباز زند مثل: جارو کردن، خیاطی، پخت غذا و حتی آوردن آب و آماده سازی بستر خواب، ناشزه نمی باشد.  
(موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۰۵)



## فیش شماره ۲ :

مراحل برخورد مرد با نشوز زن

نحوه برخورد مرد با نشوز زن با توجه به انگیزه های مختلف فرق دارد؛ زیرا، اگر انگیزه، خستگی جسمی، روانی و افسردگی و فشارهای ناشی از کار باشد، شوهر باید در صدد رفع خستگی زن و یا درمان افسردگی او باشد و یا فشار کار را برای زن کم کند. و اگر انگیزه، عدم ارضای جنسی باشد، مرد باید با زن به عنوان یک بیمار برخورد کند و در صدد درمان او برآید؛ زیرا، در این موارد زن عموماً قصد مخالفت با شوهر را ندارد. اما اگر انگیزه ها موارد دیگر باشد که زن با قصد و علم با آن انگیزه ها از اطاعت شوهر دوری می کند، طبق دستور قرآن مرد باید سه مرحله را طی کند تا بتواند زن را از ناشزه بودن باز دارد. سه مرحله ای که قرآن دستور داده مترتب بر همدیگر است؛ یعنی مرحله اول را اقدام می کند اگر تأثیر نکرد، مرحله دوم و اگر باز هم نتیجه نداد، نوبت به مرحله سوم می رسد.

مرحله اول : پند و اندرز

قرآن با کلمه "فَعْظُوهُنَّ" پند و اندرز را اولین راه مقابله با نشوز زن می داند تا آثار نافرمانی چه در دنیا و چه در آخرت به زن اعلام شود، شاید اثر گذار باشد. امام خمینی معتقد است که اگر مرد نشانه های طغیان و سرکشی را دید باید او را موعظه کند و اگر زن اطاعت نکند آن وقت نشوز محقق می شود. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۵)

## کتاب شماره ۲ : فخر رازی، تفسیر کبیر

فخر رازی می گوید: « زدن زمانی رواست که غیر ضرب قطعاً مفید و نافع واقع نشود » (فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۳۱۸)

## کتاب شماره ۳ : طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان

## فیش شماره ۱ :

علامه طباطبایی به همین مطلب اشاره دارد و معتقد است از سیاق آیه فهمیده می شود که باید ترتیب را رعایت کرد. وی ترتیب را وسایل گوناگونی از کیفر دادن می داند؛ زیرا، اگر کسی بخواهد شخصی را کیفر دهد، طبیعتاً از درجه ضعیف آن شروع می کند و سپس کیفر را به تدریج شدید و شدیدتر می کند. (طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۴، ص ۳۴۵)

## فیش شماره ۲ :

مرحله دوم: کناره گیری از بستر زن

در بستر از آنها « ( وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ : « اگر مرحله اول نتیجه نداد قرآن می فرماید: دوری کنید). و ظاهر قوله: وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ أَنْ تَكُونَ الْهَجْرَةُ مَعَ حِفْظِ الْمَضَاجِعِ كَالِاسْتِدْبَارِ وَ تَرْكِ الْمَلَاعِبَةِ وَ نَحْوِهَا، وَ إِنَّ أَمْرَ أَنْ يَرَادَ مِنْ مِثْلِ الْكَلَامِ تَرْكُ الْمَضَاجِعِ لَكِنَّهُ بَعِيدٌ، وَ رَبَّمَا تَأْيِيدُ الْمَعْنَى الْأُولَى بِاتِّتْيَانِ الْمَضَاجِعِ بِلَفْظِ الْجَمْعِ فَإِنَّ الْمَعْنَى الثَّانِي لَا حَاجَةَ فِيهِ إِلَى إِفَادَةِ كَثَرَةِ الْمَضْجَعِ ظَاهِرًا.

علامه طباطبایی همین معنا را اراده کرده و می نویسد: ظاهر جمله این است که بستر محفوظ باشد، ولی در بستر با او قهر کند؛ مثلاً پشت به او کند و یا ملاعبه نکند و یا طور دیگری بی میلی خود را به او بفهماند. ولی بعید است که با این جمله جدا کردن بستر او اراده شود. (طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۴، ص ۳۴۵)

## کتاب شماره ۴ : مکارم شیرازی، تفسیر نمونه

مرحله سوم: تنبیه بدنی

اگر پند و اندرز فایده ای نکرد و زن به قهر و جدایی مرد هم بی اعتنائی کرد، نوبت به سومین مرحله اصلاحی می رسد و آن تنبیه بدنی است که نشانگر نهایت نارضایتی شوهر از زن است. تعبیر "و اضربوهن" در این آیه صریح در اذن قرآن جهت تنبیه زنان ناشزه است. از جمله سؤالاتی که در بحث تنبیه بدنی زن مطرح است این است که آیا زدن حق مرد است یا حکمی است به سود او. و اگر حکم است چگونه است؟ از نوع اباحه، کراهت، استحباب و یا وجوب است؟ شرایط و اهداف خاص تنبیه زن:

مرد در تنبیه بدنی زن آزاد نیست تا هر طور که مایل است عمل نماید، بلکه باید شرایط خاصی را به شرح ذیل رعایت کند:

شرط اول: قصد اصلاح

قرآن هدف از تنبیه بدنی زن را پرهیز دادن زن از نشوز و در نتیجه اصلاح او می داند، به گونه ای که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد. این مسئله در روان شناسی نیز آمده است که برخی از زنان دارای حالتی به نام "مازوشیسم" یا آزار طلبی هستند و تنها راه آرامش بخشیدن به آنها تنبیه مختصر بدنی است که خود نوعی درمان روانی است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۱۵)

#### کتاب شماره ۵: سید قطب، فی ظلال القرآن

و اضربوهن:

و معروف- بالضرورة- أن هذه الإجراءات كلها لا موضع لها في حالة الوفاق بين الشريكين في المؤسسة الخطيرة. وإنما هي لمواجهة خطر الفساد و التصدع. فهي لا تكون إلا و هناك انحراف ما هو الذي تعالجه هذه الإجراءات.

سید قطب نیز در این زمینه می نویسد: « کتک زدن زن زمانی انجام می گیرد که خطر شکاف، کج رفتاری و بدکرداری کانون خانواده را تهدید می کند و چنین مقرراتی جهت درمان کج اندیشی و کژ راهی است. (سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۶۵۴)

#### کتاب شماره ۶: طبری، تفسیر طبری

شرط دوم: خفیف بودن

در اینکه زدن چگونه و چه ویژگی بهایی داشته باشد، آیه ۳۴ سوره نساء اطلاق دارد و هرگونه زدن را شامل می شود و اینکه با چه وسیله ای بزند هم آیه اطلاق دارد و هیچ محدودیتی را شامل نمی شود، ولی مفسران آن را بر پایه روایات و قرائن نقلی و عقلی محدود کرده اند. برخی برای خفیف بودن تنبیه بدنی زن از آیه دیگر قرآن استفاده کرده و معتقدند که مراد از زدن، استفاده از قدرت بدنی نیست. رسول خدا (ص) می فرماید: تنبیه بدنی نباید به نحوی باشد که اثر آن در جسم زن نمود داشته باشد، و یا نشانه خودنمایی و اظهار قدرت مرد باشد. (طبری، تفسیر طبری، ج ۵، ص ۶۸)

#### کتاب شماره ۷: شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه

امام باقر (ع) در تفسیر "واضربوهن" می فرماید: «با چوب مسواک وی را بزند. امام صادق (ع) نیز زدن را با چوب مسواک و شیشه آن می داند؛ زدن که از روی رفق و دوستی باشد. (شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۵۲۱)

#### کتاب شماره ۸: جوادِ آملی، حق و تکلیف در اسلام

قابل ذکر است که واژه "ضرب" اختصاص به زدن درد آور ندارد، بلکه برخی از مصادیق آن می تواند بی درد باشد؛ زیرا، اگر چه زدن در حد یا تعزیر غالباً درد آور است، ولی در فضای خانوادگی که اساس آن مودت و رحمت است «...وَجَعَلَ بَيْنَ يَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (و میانتان دوستی و رحمت نهاد (روم/۲۹) زدن درد آور نمی تواند مورد دستور خداوند باشد، زیرا این نوع زدن با مودت و رحمت سازگاری ندارد. (جوادِ آملی، حق و تکلیف در اسلام، ص ۳۱۲)

#### کتاب شماره ۹: امام خمینی، تحریرالوسیله

شرط سوم: زدن در چند مرحله

در تنبیه بدنی باید از مرحله خفیف تر شروع شود و اگر اثر نکرد شدیدتر شود. امام خمینی در این باره معتقد است که ابتدا تنبیه مختصر باشد اگر اثر نکرد به تدریج به مراحل بالاتر و تنبیه شدیدتر منتقل می شود، ولی در هر صورت نباید بدن زن خونی شده و موجب کبودی و سرخی شود. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۳)

#### کتاب شماره ۱۰: اصفهانی، کشف اللثام

شرط چهارم: غرامت دادن مرد در صورت ایجاد جراحت

حال اگر از سر اتفاق و یا ناخواسته، زدن سبب جراحت زن گردد، مرد باید به او غرامت بدهد. اصفهانی ملقب به فاضل هندی می گوید: «اگر با تنبیه چیزی از اعضای بدن زن تلف گردد، شوهر ضامن است؛ زیرا، آنچه شارع فرموده برای اصلاح و تأدیب است در حالی که ضرب شدید موجب افساد می شود» (اصفهانی، کشف اللثام، ج ۲، ص ۱۰۰)

#### کتاب شماره ۱۱: نوری، مستدرک الوسائل

تنبیه بدنی تجویز ضروری

حکم تنبیه بدنی مذکور تنها یک تجویز ضروری برای مقاطعی کاملاً خاص و با شرایطی ویژه است که بیان شد و در غیر نشوز زن و عموم موارد دیگر غیر مجاز و نادرست است و مطلقاً از سوی اسلام منع شده است. رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس همسرش را سیلی بزند خداوند به مالک دوزخ فرمان می دهد که هفتاد سیلی از آتش دوزخ بر وی بنوازد. (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲۴، ص ۲۵۰)

#### کتاب شماره ۱۲: قرآن کریم

سفارش اسلام به رعایت حال زنان

بر اساس قرآن و برخی از روایات، اسلام در مورد زنان به مردان سفارش نموده است: قرآن در این باره می فرماید: «وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنِ أَجْلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ... هر گاه زنان را طلاق دادید و مهلتشان سرآمد، یا آنان را به نیکو وجهی نگه دارید یا به نیکو وجهی رها سازید. بقره/۲۳۱

#### کتاب شماره ۱۳: حکیمی، الحیاء

### فیش شماره ۱ :

پیامبر (ص) در روایتی فرمود: « می شود که انسان از خداوند پاداش بگیرد، برای یک لقمه که در دهان همسر خود بگذارد. ( حکیمی ، الحیاء ، ج ۸ ، ص ۲۷۴ )

### فیش شماره ۲ :

و در جای دیگر فرمود: همواره جبرئیل مرا نسبت به زنان سفارش میکرد ، تا جایی که پنداشتم طلاق آنان جایز نیست مگر در صورت خیانت. ( همان ، ص ۴۷۵ )

### فیش شماره ۳ :

و نیز فرمود :مؤمن به میل همسرش غذا می خورد، منافق همسرش به میل او غذا می خورد . ( همان ، ص ۴۷۶ )

### فیش شماره ۴ :

در نظر پیامبر گرامی اسلام، نشستن مرد در کنار همسر در خانه، نزد خدای متعال محبوب تر از اعتکاف در مسجد است . ( همان ، ص ۴۸۶ )

### کتاب شماره ۱۴ : حر عاملی، وسائل الشیعه

سفارش اسلام تا بدانجاست که دستور داده است که مردان باید در کنار همسران خود بخوابند .در روایتی دیگر، پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمود: « آیین جو انمردی را از دست داده است کسی که دور از خانه و شهری که همسرش در آنجاست، بخوابد . ( حر عاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۲۲ )

### کتاب شماره ۱۵ : طباطبایی ، محمدحسین ، تفسیرالمیزان

علامه طباطبایی درباره این روایات می نویسد: « روایت در زمینه رفتار نیکو و کریمانه با زنان از پیامبر مکرم اسلام(ص) و امیر المؤمنین علی (ع) از منابع روایی معتبر شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است که از مجموع اینها م میتوانیم موضع اسلام در قبال زنان را که سرشار از تکریم، محبت و معاشرت نیکو است استفاده نماییم .( علامه طباطبایی ، تفسیرالمیزان ، ج ۵ ، ص ۳۴۹-۳۵۱ )

### جمعبندی و دسته بندی اقوال و ادله پیرامون سوال فرعی شماره ۳ :

بر اساس نظر مفسران تنبیه بدنی زن با کرامت انسانی او منافات ندارد؛ زیرا، اولاً زن و شوهر در قبال همدیگر متعهد هستند؛ در صورتی که فقط شوهر به تعهد خود عمل کند: و زن نسبت به مرد متعهد نباشد، مرد باید او را وادار کند تا به تعهد خود عمل نماید .ثانیاً، قرآن تنبیه بدنی زن را پس از مراحل پند و اندرز و دوری از بستر وی در مرحله آخر قرار داده است. ثالثاً، حکم تنبیه بدنی مذکور تنها یک تجویز ضروری برای مقاطعی کاملاً خاص یعنی نشوز زن و شرایط ویژه است و لذا در عموم موارد دیگر غیر مجاز و نادرست است و اسلام هم به شدت با آن مخالفت و از آن نهی نموده است.

### انتخاب قول مختار در سوال فرعی شماره ۳ :

از آنجاییکه برای تنبیه زن شرایط و مراحل خاصی وجود دارد بنابر قول جوادی آملی فضای خانوادگی که اساس آن مودت و رحمت است «...وَجَعَلَ بَیْ نَکْمٍ مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً...» ( و میانان دوستی و رحمت نهاد (روم/۲۹) زدن درد آور نمی تواند مورد دستور خداوند باشد، زیرا این نوع زدن با مودت و رحمت سازگاری ندارد.

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن حبیب، محمد ابن حبیب، قاهره، دارالغد العربي، ۱۴۲۱
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴
- ۴- ابن هیثم اصفهانی، ابو الفرج علی بن الحسین، اخبار النساء فی کتاب الأغانی، جمع و شرح عبدالامیر مهنه، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۳ ق
- ۵- ابی عبدالله، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق
- ۶- احمد امین، فجر الاسلام، بیروت، دار الکتب العربی، چ یازدهم، ۱۹۷۵
- ۷- اصفهانی، بهاء الدین محمد بن الحسن فاضل هندی، کشف اللثام قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۶. ق
- ۸- آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق
- ۹- جاحظ، عمر بن بحر، البیان و التبیین، بی جا، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۷ م
- ۱۰- جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، قم، مرکز نشر اسرا. ۱۳۸۴
- ۱۱- جواد، علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، بیروت، دار العلم للملایین و بغداد مکتبه النهضه، ج ۲
- ۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، بی جا، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق
- ۱۳- حکیمی، محمد رضا، الحیاء، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸.
- ۱۴- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله (ج ۲). (چاپ دوم). نجف اشرف، مطبعه الاداب. ۱۳۹۰ ق
- ۱۵- رازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰
- ۱۶- ربانی خلخالی، علی، زن از دیدگاه اسلام، قم، انتشارات حجت، ۱۳۸۲
- ۱۷- رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، مصر، دار المنار، چ سوم، ۱۳۶۷ ق
- ۱۸- سالاری فرد، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، تهران، سمت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ پنجم، ۱۳۸۴
- ۱۹- سالم، عبدالعزیز، تاریخ العرب قبل الاسلام، الاسکندریه، مؤسسه شباب الجامعه، بی تا
- ۲۰- سعد زغلول، عبدالحمید، فی التاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالنهضه العربیه، ۱۹۷۵
- ۲۱- سید قطب، فی ظلال القرآن (چاپ دوم). (ترجمه: مصطفی خرم دل). تهران، نشر احسان، ۱۳۸۷
- ۲۲- صدوق (شیخ)، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی. من لایحضره الفقیه. (ج ۳)، بیروت، دارصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق
- ۲۳- طباطبایی، محمد حسین المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق

- ۲۴- طبری ، محمد ابن جریر ، تفسیر طبری ( ج ۵ ) ، بیروت ، دارالمعرفه. ۱۴۱۲ ق
- ۲۵- طریحی ، فخر الدین ، مجمع البحرین ، تهران ، کتابفروشی مرتضوی ۱۳۷۵ ش
- ۲۶- فراهیدی ، خلیل ابن احمد ، العین ، قم ، انتشارات هجرت ، ۱۴۱۰
- ۲۷- فتنت مسکه بر، آمنه ، واقع المرأه الحضاری فی ظل الإسلام ، بیروت ، الشرکه العالمیه للکتاب، ۱۹۹۶ م
- ۲۸- قریطی ، ابی عمر یوسف بن عبدالله بن محمد ، الجامع لأحكام القرآن ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- ۲۹- کلینی ، محمد بن یعقوب ، کافی ، تحقیق علی اکبر غفاری ، تهران ، دار الکتب الاسلامی ، ۱۳۶۷
- ۳۰- گروه محققان ، زن در فرهنگ اسلامی ، قم ، مجمع جهانی اهل بیت ع ، بی تا.
- ۳۱- مکارم شیرازی ، ناصر و دیگران ، تفسیر نمونه ( چاپ ۲۵ ) . تهران ، دارالکتب الاسلامیه . ۱۳۶۹
- ۳۲- منتظری مقدم ، حامد، «گونه های ازدواج در عصر جاهلی»، تاریخ در آینه پژوهش ، ش ۸، زمستان
- ۳۳- موسوی همدانی ، سید محمد باقر ، ترجمه تفسیر المیزان ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم ۱۳۷۴ ش
- ۳۴- نوری طبرسی ، میرزا حسین ، مستدرک الوسائل ، قم ، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث 1407
- ۳۵- یعقوبی ، احمد بن اسحاق ، تاریخ یقوبی ، بیروت ، دار صادر، بی تا.